واکاوی معمای تجارت هم‌زمان برق و قطعی‌های برنامه‌ریزی‌شده در تابستان

توهم کمبود تولید در سراب اتلاف شبکه

گروه تجارت
editor@smtnews.ir

در نگاه نخست، تصویر متناقضی است، ایران هم برق وارد می‌کند و هم صادر. وقتی رسانه‌ها از ارقامی مانند ۱۵۰ مگاوات صادرات و ۴۵۰ مگاوات واردات سخن می‌گویند افکار عمومی حق دارد بپرسد چرا کشوری که خود در اوج گرما با کمبود برق و خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده دست‌وپنجه نرم می‌کند، هم‌زمان برق می‌فروشد و می‌خرد؟ اما پاسخ این پرسش نه در ظاهر ساده تبادل انرژی که در لایه‌های زیرین حکمرانی و کیفیت سیاست‌گذاری پنهان شده است. مسئله واقعی راندمان پایین نیروگاه‌ها، فرسودگی شبکه انتقال و توزیع، و از همه مهم‌تر الگوی مصرفی است که هنوز رنگ بهره‌وری به خود ندیده است. گره معمای تجارت برق ایران زمانی کورتر می‌شود که درمی‌یابیم بخش عمده آمارهای رسمی که برای تحلیل این وضعیت به آن استناد می‌شود، به سال ۱۳۹۶ ختم می‌شود. آخرین فایل تفصیلی صادرات و واردات برق در پایگاه مرکز آمار ایران متعلق به همان سال است و پس از آن یا داده‌ای منتشر نشده یا در دسترس عموم قرار نگرفته است. به‌عبارت دیگر ما بحران خاموشی‌های ۱۴۰۵ را همچنان با اعداد و ارقام دیروز توضیح می‌دهیم شکافی که خود گویای عمق ناکارآمدی در مدیریت اطلاعات و شفافیت این صنعت راهبردی است. فراتر از آمار مسئله به ساختار حکمرانی انرژی برمی‌گردد. اقتصاد برق ایران سال‌هاست در محاق قیمت‌گذاری دستوری و بدهی‌های مزمن صنعت برق گرفتار شده است. بدون اصلاح نظام تعرفه‌گذاری، بدون آزادسازی تدریجی قیمت برای مشترکان پرمصرف و بدون جذب سرمایه‌گذاری خصوصی برای نوسازی شبکه هر تابستان شاهد تکرار همین چرخه خواهیم بود خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده، توضیحات متناقض درباره صادرات و واردات و تداوم آمارهایی که به جای آینده گذشته را روایت می‌کنند. معمای تجارت برق ایران در نهایت، معمای یک سیستم ناکارآمد است که شفافیت و اصلاح ساختاری را فدای مدیریت مقطعی بحران کرده است.

تیترهای پرزرق‌وبرق، واقعیت کم‌نور

برای شروع سراغ یکی از اخبار جدید می‌رویم خبر این بود: صادرات برق ایران به افغانستان و پاکستان بعد از کاهش نیاز داخلی از سر گرفته شده است. عدد هم مشخص بود؛ حدود ۱۵۰ مگاوات صادرات در برابر ۴۵۰ مگاوات واردات از ارمنستان و ترکمنستان. همین ترکیب کافی است تا یک سوال فوری شکل بگیرد: اگر برق کم داریم، چرا صادر می‌کنیم؟ و اگر وضع‌مان خوب است، چرا وارد می‌کنیم؟ این دوگانه ظاهرا جذاب اما از نظر فنی ناقص است. در تجارت برق، واردات و صادرات هم‌زمان الزاما به معنای وفور یا کمبود مطلق نیست. برق کالایی است که به اقتضای موقعیت جغرافیایی، پایداری شبکه، قراردادهای منطقه‌ای، ساعت اوج مصرف و ملاحظات فنی، می‌تواند هم‌زمان در دو سوی مرز جابه‌جا شود.

اما مشکل از جایی شروع می‌شود که این توضیح فنی، تبدیل می‌شود به سپری برای پنهان‌کردن صورت واقعی بحران. چون آن‌چه افکار عمومی را خسته کرده این است که چرا کشوری با این حجم از ظرفیت تولید، هر تابستان به آستانه خاموشی می‌رسد، هر سال از ناترازی حرف می‌زند و هر بار هم به جای حل ریشه‌ای مسئله، به مسکن‌های موقت پناه می‌برد. اینجا بحث این است که شبکه برق ایران سال‌هاست بیشتر از آن‌که با منطق بهره‌وری اداره شود، با منطق مدیریت بحران روزمره جلو می‌رود. برق وارد می‌کنیم تا کم نیاوریم، برق صادر می‌کنیم تا تعهدات منطقه‌ای را صفر نکرده باشیم اما در میانه این رفت‌وبرگشت‌ها پرسش کلیدی بی‌جواب مانده که چرا مصرف ما هنوز بهینه نشده و چرا بهره‌وری هنوز اولویت اول نیست؟

آمارهای دیروز

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در روایت این ماجرا نباید گم شود، کیفیت و به‌روز بودن داده‌هاست. فایلی که آمار صادرات و واردات برق را در مرکز آمار ثبت کرده، داده‌های سالانه را از ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد و عملا جدیدترین عدد موجود در آن مربوط به ۱۳۹۶ است. یعنی اگر کسی بخواهد با همین جدول وضعیت فعلی تجارت برق ایران را تحلیل کند، از همان ابتدا روی زمین ناهموار قدم گذاشته است. این فایل نشان می‌دهد صادرات برق ایران در سال ۱۳۹۲ به ۱۱۵۸۶ میلیون کیلووات‌ساعت رسیده و واردات هم در ۱۳۹۵ به ۴۲۲۱.۱ میلیون کیلووات‌ساعت رسیده است؛ اعدادی مهم اما متعلق به سال‌هایی که ساختار مصرف، رشد تقاضا، فرسودگی شبکه، شدت گرما و حتی وضعیت تولید نیروگاهی امروز با آن زمان یکسان نیست.

این همان حلقه مفقوده‌ای است که ما هنوز در بسیاری از بحث‌ها از آمار قدیمی برای توضیح بحران جدید استفاده می‌کنیم. این شکاف آماری خودش بخشی از بحران حکمرانی است. وقتی داده به‌روز، شفاف و مستمر روی میز نباشد، تحلیل هم یا به سمت شعار می‌رود یا به سمت توجیه. نتیجه‌اش هم همین می‌شود: یک روز روی صادرات مانور داده می‌شود، روز دیگر روی واردات، اما کمتر کسی می‌پرسد آیا زیرساخت اطلاعاتی لازم برای فهم دقیق وضعیت برق کشور وجود دارد یا نه.

> اگر بخواهیم از تیترها فاصله بگیریم و به ریشه نگاه کنیم، مسئله اصلی صنعت برق ایران ناتوانی مطلق در تولید نیست

برق کم نیست، بهره‌وری کم است

اگر بخواهیم از تیترها فاصله بگیریم و به ریشه نگاه کنیم، مسئله اصلی صنعت برق ایران ناتوانی مطلق در تولید نیست. مسئله این است که بخش بزرگی از این تولید، در مسیری کم‌بازده مصرف، هدررفت شبکه، تجهیزات فرسوده، قیمت‌گذاری ناکارآمد و نبود مشوق‌های واقعی برای صرفه‌جویی مستهلک می‌شود. به زبان ساده‌تر، ما فقط با کمبود برق روبه‌رو نیستیم؛ با کمبود بهره‌وری روبه‌روایم. بهینه‌سازی مصرف سال‌هاست در حد شعارهای مناسبتی، پوسترهای اداری و توصیه‌های تکراری مانده است. هر وقت هوا گرم می‌شود از مردم خواسته می‌شود کولر را روی دمای بالاتر تنظیم کنند، لامپ اضافه را خاموش کنند و مصرف را به ساعات دیگری منتقل کنند. اما این فقط نیمه ضعیف ماجراست. نیمه قوی‌تر و مهم‌تر جایی است که باید دولت، سیاست‌گذار، شرکت‌های توزیع، صنعت ساختمان، خود شبکه و ساختار قیمت‌گذاری وارد میدان شوند. وقتی ساختمان‌ها انرژی‌بلع طراحی می‌شوند، وقتی تجهیزات سرمایشی کم‌بازده هنوز سهم بالایی در مصرف دارند، وقتی بخشی از شبکه فرسوده است و وقتی قیمت برق برای پرمصرفی بازدارندگی کافی ایجاد نمی‌کند، دعوت اخلاقی به صرفه‌جویی بیشتر شبیه خواهش است تا سیاست عمومی. برای همین است که بحث واردات و صادرات برق اگر از زاویه بهره‌وری دیده نشود، به یک دعوای عددی بی‌ثمر تبدیل می‌شود. کشوری که مصرفش بهینه نیست، حتی اگر امروز صادرکننده باشد، فردا ممکن است برای عبور از اوج بار دوباره دست به واردات بزند و کشوری که راندمان را جدی بگیرد، حتی با محدودیت منابع هم می‌تواند شبکه‌ای باثبات‌تر، اقتصادی‌تر و کم‌تنش‌تر داشته باشد. ماجرای برق ایران پیش از آن‌که بحران تولید باشد، بحران اتلاف است.

وارد کننده برق یا صادر کننده!

چرا هم برق را وارد می‌کنیم هم صادر؟ چون شبکه برق مثل انبار کالا نیست که فقط موجودی کل آن مهم باشد. زمان، مکان، قرارداد، هم‌جواری مرزی و پایداری شبکه، همه تعیین‌کننده‌اند. ممکن است واردات از یک نقطه مرزی برای تامین نیاز ناحیه‌ای خاص یا حفظ تعادل شبکه منطقی باشد و در همان زمان، صادرات محدود به کشوری دیگر هم در چارچوب تعهدات یا صرفه اقتصادی ادامه پیدا کند. بنابراین نفس هم‌زمانی واردات و صادرات، به‌خودی خود عجیب نیست. اما پاسخ واقعی برای افکار عمومی باید بلندتر از این باشد. مردم حق دارند بپرسند چرا این توضیح فنی، هر سال با اضطراب خاموشی همراه می‌شود؟ چرا مدیریت مصرف همیشه در دقیقه ۹۰ جدی می‌شود؟ چرا به جای اصلاح زیرساخت، راندمان نیروگاه‌ها، نوسازی تجهیزات، بازطراحی تعرفه‌ها و نصب گسترده فناوری‌های هوشمند، مدام از مردم می‌خواهیم کمتر مصرف کنند، بی‌آن‌که نظام مصرف را واقعا اصلاح کرده باشیم؟

مسئله اینجاست که صادرات محدود برق به دو همسایه اگرچه از نظر فنی قابل توضیح است اما نباید به یک ویترین تبلیغاتی تبدیل شود. چون پشت این ویترین، مسئله بزرگ‌تری نهفته؛ ناترازی‌ای که هنوز درمان ریشه‌ای نشده است. صادرات وقتی معنا دارد که حاصل مازاد پایدار، شبکه کارآمد و بهره‌وری بالا باشد نه صرفا عددی کوچک که در کنار واردات بزرگ‌تر بیشتر از آن‌که نشانه قدرت باشد، نشانه آشفتگی روایت است. اگر قرار است درباره برق حرف بزنیم، باید از خود عدد عبور کنیم و به کیفیت سیستمی برسیم که این عددها را تولید می‌کند.

بهره‌وری؛ سوژه‌ای که هنوز جدی گرفته نشده

شاید مهم‌ترین بخش این گزارش همین باشد که ما در هفته‌ها و مناسبت‌های مربوط به بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف، هنوز بیشتر توصیه تولید می‌کنیم تا سیاست و ارائه راهکارهای لازم. انگار بهینه‌سازی مصرف، یک موضوع نرم و تزئینی است نه ستون فقرات امنیت انرژی. در حالی که هر کیلووات‌ساعتی که از مسیر بهره‌وری ذخیره شود از بسیاری پروژه‌های پرهزینه تولید برق ارزشمندتر است چرا که سرمایه‌گذاری جدید را عقب می‌اندازد، فشار بر شبکه را کم می‌کند، هزینه سوخت و استهلاک را کاهش می‌دهد و تاب‌آوری سیستم را بالا می‌برد.

سوژه ناب دقیقا همین‌جاست که برق در ایران فقط کم تولید نمی‌شود بلکه زیاد تلف می‌شود، بد مصرف می‌شود و دیر اصلاح می‌شود. این جمله شاید از هر تیتر صادراتی مهم‌تر باشد. قصه برق ایران قصه کشوری است که سال‌ها میان تولید بیشتر و مصرف بدتر گیر کرده است.

سخن پایانی

اینکه ایران در مقطعی برق وارد کند و هم‌زمان مقدار محدودی هم صادر کند، لزوما عجیب نیست؛ عجیب آنجاست که هنوز بعد از این همه سال مسئله اصلی را جای دیگری تعریف می‌کنیم. تا وقتی بهره‌وری به محور اصلی حکمرانی انرژی تبدیل نشود، صادرات و واردات فقط اعدادی هستند که هر بار می‌توانند در یک تیتر تازه معنایی متفاوت پیدا کنند. فایل آماری موجود در مرکز آماری نیز خودش یک نشانه است: آخرین داده ثبت‌شده در آن برای سال ۱۳۹۶ است. یعنی حتی در روایت بحران امروز هنوز با اعداد قدیمی حرف می‌زنیم. این عقب‌ماندگی آماری همان‌قدر هشداردهنده است که ناترازی برق. در نهایت مسئله برق ایران، فقط تولید بیشتر نیست؛ مصرف عاقلانه‌تر، شبکه کارآمدتر و حکمرانی شفاف‌تر است و تا وقتی این ۳ اصلاح نشود، هر صادراتی کوچک است، هر وارداتی نگران‌کننده و هر تابستان، تکرار همان بحران آشنا.

یادداشت

راهکارهای مدیریت و کنترل انرژی در ایران

محمد حسین واحدی
ارشد اندیشه سیاسی
دانشگاه علامه طباطبایی

در پی تنش‌های اخیر و بروز درگیری‌های نظامی که منجر به آسیب دیدن زیرساخت‌های حیاتی (مانند صنایع فولاد، نفت و داروسازی) و اعمال محاصره دریایی شده است، اقتصاد ایران با ناترازی‌های شدیدی در حوزه انرژی مواجه است. با توجه به چالش‌های ناشی از بسته شدن مسیرهای صادراتی، افزایش هزینه‌های بیمه دریایی و اختلال در زنجیره تأمین، اتخاذ تدابیر اضطراری برای جلوگیری از فروپاشی بازارهای داخلی ضروری است.در چنین شرایطی، حتی اقتصادهای طرفدار بازار آزاد نیز ناچار به مداخله دولت برای جلوگیری از فروپاشی عرضه هستند.

در ادامه، راهکارهای پیشنهادی برای مدیریت این بحران بررسی می‌شود:

۱. مدیریت ذخایر استراتژیک و تنظیم بازار

قیمت‌گذاری دستوری در غیاب پشتوانه کالایی، نه تنها کارآمد نیست بلکه می‌تواند منجر به اتمام سریع منابع و ایجاد فاجعه در زنجیره تأمین شود.

استفاده از ذخایر استراتژیک: آزادسازی مدیریت‌شده ذخایر ملی برای تعدیل قیمت‌ها و جلوگیری از شوک‌های ناگهانی به مصرف‌کنندگان نهایی.

تنوع‌بخشی به مبادی تأمین: برقراری تفاهم‌نامه‌های اضطراری برای واردات انرژی از کشورهای همسایه یا مناطق امن به منظور جبران ناترازی داخلی.

۲. توسعه و بهینه‌سازی زیرساخت‌های حمل‌ونقل انرژی

«دسترسی و انتقال» به اندازه «تولید» حائز اهمیت است. هزینه‌های بالای بیمه دریایی و ریسک حمل‌ونقل از تنگه هرمز، لزوم بازنگری در شیوه انتقال انرژی را دوچندان کرده است:

گسترش شبکه خطوط لوله: احداث خطوط لوله انتقال نفت و فرآورده‌ها در مسیرهای زمینی (بیابانی) به جای تکیه بر حمل‌ونقل دریایی، می‌تواند ریسک‌های ژئوپلیتیک و هزینه‌های بیمه را به شدت کاهش دهد.

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های امن: اگرچه هزینه‌های احداث خطوط لوله (به‌ویژه در بسترهای دریایی) بالاست، اما در شرایط محاصره، این سرمایه‌گذاری به عنوان یک «بیمه راهبردی» برای بقای صادرات تلقی می‌شود.

۳. ارائه یارانه هدفمند به شبکه ترابری

برای کاهش قیمت نهایی انرژی در شرایط تورمی، دولت باید از ابزار سوبسید استفاده کند، اما با رویکردی متفاوت:

یارانه‌های عملیاتی: اختصاص یارانه به شرکت‌های حمل‌ونقل برای کاهش هزینه‌های جابه‌جایی انرژی در داخل کشور.

تسهیلات بیمه‌ای: ایجاد صندوق‌های ضمانت دولتی برای پوشش ریسک حمل‌ونقل و کاهش حق بیمه‌های سنگین که توسط شرکت‌های بین‌المللی بر کشتی‌ها و ناوگان‌های حمل‌ونقل تحمیل می‌شود.

مدیریت انرژی در شرایط «جنگ اقتصادی»، مستلزم گذار از سیاست‌های صرفاً قیمتی به سمت سیاست‌های «زیرساخت‌محور» است.

دولتی که در شرایط بحرانی قرار دارد، باید با تنفس مصنوعی اقتصادی، مسیرهای لجستیکی را ایمن‌سازی کرده و با استفاده از ذخایر ملی، از انتقال فشارِ ناترازی انرژی به بخش‌های تولیدی و مصرف‌کننده نهایی جلوگیری کند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نوبت دوم
شناسه ۲۱۸۵۲۱۹

برابر **رای هیات به شماره ۱۲۹۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۹** موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای **علی‌اکبر عسگری رباطی فرزند محمد نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۲۳,۱۵ مترمربع شماره کلاسه ۱۴۰۴/۲۲۷۹ قسمتی از پلاک ۴۹۶ فرعی از ۴۹- اصلی واقع در اراضی خلیل‌شهر بخش ۱۷ ثبت بهشهر** مستند مالکیت خریداری شده از مالک غیررسمی **عیسی یوسفی رباطی** به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶
محمدحسن صادقی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نوبت دوم
شناسه ۲۱۸۵۳۵۷

برابر **رای هیات به شماره ۲۵۵۳ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۳** موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی **آقای ابوالحسن ملک‌پوری فرزند حسین نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۱۵,۲۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۸ فرعی ۳۱- اصلی واقع در اراضی فراش محله بخش ۱۷ ثبت بهشهر** مستند مالکیت خریداری شده مع‌الواسطه از مالک رسمی **حبیب‌اله ملکپور** به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶
محمدحسن صادقی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه دو گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف

نوبت اول
شناسه ۲۱۹۶۷۶۰

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض **مرتضی بابانژاد بشناسه ملی ۲۱۱۰۱۷۹۱۶۳ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۳۱۵ در ششدانگ یک قطعه زمین بابنای احداثی بمساحت ۱۶,۱۰ مترمربع از پلاک ۳۸۶۶ فرعی از ۱۰۷ - اصلی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان واقع در اراضی خارج از موقوفه محمدصادق باباصادقیان** طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این‌رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶
سیدعیسی میرکاظمی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نوبت دوم
شناسه ۲۱۸۴۱۷۲

برابر **رای هیات به شماره ۳۲۷۴ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۰** موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم **مرضیه ابراهیمی فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۳۷,۰۰۰ مترمربع شماره کلاسه ۱۴۰۳/۱۸۴۶ قسمتی از پلاک ۳۸ - اصلی واقع در اراضی بیشه‌بنه بخش ۲۴ ثبت بهشهر** مستند مالکیت مبایعه‌نامه عادی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶
محمدحسن صادقی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر